

مقدمه دهم:

آیا بحث فقط در واجب مضیق جاری است یا اعم از واجب مضیق و واجب موسّع است؟

«موضع النزاع ما إذا كان المأمور به مضيقاً و الضدّ موسّعاً، و لو كانا موسّعین فلا نزاع، و أما لو كانا مضیقین فیلاحظ ما هو الأهم.

و قد یفصل بأنّ الفعلین إمّا كلاهما من حقّ الله أو حقّ الناس أو مختلفان، و علی التقديرات إمّا معاً موسّعان أو مضیقان أو مختلفان، فمع ضیق أحدهما الترجیح له مطلقاً، و مع سعتهما التخییر مطلقاً. و أمّا الثانی، فمع اتحاد الحقیقة التخییر مطلقاً، إلّا إذا كان أحدهما أهمّ فی نظر الشارع کحفظ بیضة الإسلام، و مع اختلافهما فالترجیح لحقّ الناس إلّا مع الأهمیّة.»^۱

توضیح:

۱. بحث در جایی است که واجب مضیق است (نماز آخر وقت) و ضد خاص موسّع است (اکل)
۲. اما اگر هر دو موسّع هستند، اصلاً این بحث مطرح نمی شود.
۳. و اگر هر دو مضیق هستند، باید به سراغ آن کاری رفت که ملاکش اهم است.
۴. و ممکن است تفضیل داده شود
۵. یا هر دو کار حق الله است یا هر دو حقّ الناس است و یا یکی حقّ الله و یکی حقّ الناس است.
۶. و بنابر هر سه فرض، یا واجب و ضد آن هر دو موسّع هستند یا هر دو مضیق هستند و یا یکی موسّع و یکی مضیق هستند.
۷. هر جا یکی مضیق است و دیگری موسّع، ترجیح با جانب مضیق است و اگر هر دو موسّع هستند، مکلف مخیر است.
۸. اما اگر هر دو مضیق هستند (الثانی مضیقان):

۱. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن، القوانين المحکمة فی الأصول (طبع جدید)، ج ۱، ص ۲۳۶.



اگر هر دو حقّ الله هستند و يا هر دو حقّ الناس هستند (اتحاد الحقيقه)، مكلف مخير است مگر اينكه يكي از آن ها در نظر شارع اهم باشد. (مثل دوران بين حفظ اصل اسلام و نماز و يا حفظ جان مردم و حفظ مال مردم)

۹. ولي اگر يكي حق الله است و يكي حق الناس است، اگر اهميت ملاک نبود، حق الناس ترجيح داده می شود.

ما می گوئيم:

تقسيم بندی ايشان را چنين می توان در نمودار نشان داد:

